

بوستان بسیج، این شب‌ها میزبان یک جشن مردمی است

## «نسیم کرامت» در تلگرد



زهرا اسحاقی | دهه کرامت چند روزی است که شروع شده است. فعالان فرهنگی منطقه ۴ برای استمرار حال خوب شهروندان، ویژه برنامه‌ای را در بوستان بسیج برگزار می‌کنند که بخش‌های متنوع و شاد دارد و اهالی در چند شبی که از اجرای آن می‌گذرد، بسیار استقبال کرده‌اند. در اجرای برنامه، نسیم کرامت، بوستان بسیج، چند گروه مشارکت داشته‌اند: شورای اجتماعی محلات و معاونت فرهنگی و اجتماعی شهرداری منطقه.

### ● هم فال و هم تماشا

برکت این دهه مبارک انگار به آسمان هم رسیده است که هوای خردآباد بارانی کرده است. درختان بوستان زیر بارش باران سر خم کرده‌اند. مراسم در زمین بازی برگزار شده است و برای بازدید کنندگان هم فال است و هم تماشا. از کنار زمین ماسه بازی کودکان عبور می‌کنیم و به چند غرفه سر پوشیده می‌رسیم. در این محوطه خانواده‌های بسیاری رامی بینیم که معلوم است از هوای پارک لذت می‌برند و تماشای برنامه آن‌ها را به وجد آورده است. برخی هایشان از همان اولین شب برگزاری جشن، در بوستان حاضر شده‌اند. در این میان اشتیاق و ذوق بچه‌ها دیدنی است. منزل محمدرضا بایگان ده ساله اطراف همین بوستان است و همراه مادر و سه نفر از دوستانش به پارک آمده است. او که غرفه‌های بازی را یکی یکی پشت سر گذاشته است، در حالی که نفس نفس می‌زند و می‌خواهد فرصت را از دست ندهد و به بقیه غرفه‌ها هم سر بزند، می‌گوید: دیروز که از اجرای برنامه باخبر شدیم، مادرم بلافاصله ما را به اینجا آورد. بخش‌های بازی را بیشتر دوست دارم، الان از غرفه بازی ابرها کی می‌آیم و می‌خواهم به قسمت فوتبال بروم.

صد بقیه قرائی چهل و هشت ساله یکی دیگر از ساکنان همین محل است که همیشه به پارک می‌آید و مثل بسیاری دیگر، از اجرای چنین برنامه مفرحی به وجد آمده است. او می‌گوید: خوب است که مدیران شهری به فکر اجرای برنامه‌های شاد و مفرح این چنینی هستند تا خانواده‌ها بین این همه مشکلات ریز و درشتی که با آن درگیر هستند، کمی مجال استراحت پیدا کنند. حالا که به فصل تابستان و ایام فراغت نزدیک می‌شویم، بهتر است که این برنامه‌ها در بوستان‌های محلی استمرار داشته باشد.

برنامه طناب کشی زیر باران، یکی دیگر از بخش‌هایی است که اجرامی شود و طرفدار هم زیاد دارد و آن قدر جذاب و هیجان انگیز است که سال‌نمندان را هم پای کار آورده است. «نسیم کرامت» هم مثل خیلی دیگر از برنامه‌ها، محل جمع شدن بانوان کارآفرین است. شهرداری چند وقتی است که حمایت از کسب و کارهای خرد و کوچک مقیاس خانگی را بر عهده گرفته است و به همین دلیل هر جایی برنامه باشد، غرفه‌های فروش زیورآلات و سبزیجات و کیف و ... را برای حمایت از بانوان برپا می‌کند.

### ● برنامه‌های شاد برای اهالی

صادق خاتونی، معاون فرهنگی و اجتماعی منطقه ۴، می‌گوید: ماتلاش می‌کنیم برنامه‌هایی شاد و مفرح برای اهالی در بوستان‌های مجاور محل زندگی‌شان برگزار کنیم. او ادامه می‌دهد: بعد از جشنواره غذا که در بوستان بهشت و یکی دو برنامه دیگر که در بوستان ارم برگزار شد، تصمیم گرفتیم مراسم دهه کرامت را در بوستان بسیج برگزار کنیم و خوشبختانه استقبال خیلی خوبی از آن شده است.

### عیدگاه

### امید محله

نوجوان محله مسلم هنر، ورزش و تحصیل را با هم دنبال می‌کند

## کشتی گیر تواشیح خوان



### ● دوست دارم مکانیک شوم

کلاس سوم دبستان به توصیه دایی‌هایش که ورزشکار و کشتی گیر هستند، در رشته ژیمناستیک ثبت نام می‌کند. محمدرضای گوید: برای یک کشتی گیر لازم نیست که حتما در رشته ژیمناستیک تمرین کرده باشد، اما در صورت فعالیت در این رشته، آمادگی اش بیشتر می‌شود. بعد از پایان دوره ژیمناستیک سراغ کشتی رفتیم و اولین باشگاهی که در آن ثبت نام کردم، در منطقه راه آهن و به مربیگری امیر توکلین بود. اما به دلیل سفر مری ام به هند تقریباً چند ماهی است که به یکی از باشگاه‌های بولوار توس می‌روم و زیر نظر مرتضی علیزاده تمرین می‌کنم. تقریباً پنج شش ساعت در روز را تمرین می‌کنم. علاقه‌ای که پدر و مادر به حفظ قرآن داشته‌اند، محمدرضا را ترغیب کرده است که زیر نظر مربیانی چون سروش عظیمی و احسان سوختانلو، حفظ سوره‌ها را شروع کند. می‌گوید: قرآن که می‌خوانم، آرامش بیشتری دارم و می‌دانم خدا هم در ورزش و هم در درس کمک می‌کند. او که صدای خوبی هم دارد. در ادامه از فعالیت‌هایش در گروه تواشیح «شمس الهدی» یاد می‌کند که چند وقتی است با آن‌ها همکاری دارد. تعریف می‌کند: همراهی با این بچه‌ها خیلی دوست دارم. اغلب اجراها در باره امام رضا (ع) و ائمه (ع) است و من گاهی تک خوانی هم می‌کنم.

### ● قهرمان استانی را شکست دادم

این روزها همه فکر و حواس محمدرضا معطوف به مسابقات استانی کشتی و ویژه دانش آموزان است که به نتیجه آن بسیار امیدوار است. مسابقات چند سال قبل را به یاد می‌آورد که بین کل باشگاه‌های مشهد برگزار شد. می‌گوید: به دلیل خراب شدن ماشین دیر رسیدیم. خیلی استرس داشتم و اسم حریفم را که شنیدم، اضطرابم بیشتر شد. او قهرمان مسابقات استان بود. روحیه ام را از دست دادم. با صحبت‌های مربی روی تشک رفتم و حریفم توانست شش امتیاز از من بگیرد و من با زنده از زمین بیرون آمدم. در نوبت دوم، مربی کلی راهنمایی ام کرد و به زمین رفتم. به خاطر پدرم و مربیانم که بر ایم بسیار زحمت کشیده بودند، سعی کردم فراموش کنم که حریف چقدر حرفه‌ای است. این بار توانستم ۹ امتیاز بگیرم و برنده شوم. کشتی یک ورزش باستانی در کشورمان است که در آن، اخلاق حرف اول را می‌زند. محمدرضای گوید: من به یاد پهلوانان بزرگ کشتی می‌گیرم و تلاش می‌کنم مثل تختی و دیگر بزرگان، کمک به نیازمندان را فراموش نکنم. در واقع کمک به آن‌ها آرامش دل مرا بیشتر می‌کند. محمدرضا از کار هم غافل نیست و بر خلاف خیلی از هم سن و سال‌هایش که می‌خواهند پزشک و مهندس شوند، دوست دارد یک مکانیک خوب شود؛ به همین دلیل از کلاس چهارم، کنار دست دایی اش کار مکانیکی می‌کند و سعی دارد مهارتش روز به روز بیشتر شود.